

# وضعیت اقدامات متقابل پس از ورود شورای امنیت به حقوق عدم اشاعه

مهدی خلیلی طبقه \* - یاسر سالاریان \*\*

## چکیده:

پرونده هسته‌ای ایران در ۲۰۰۶ از سوی شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به شورای امنیت ارجاع و شورای امنیت تعدادی قطعنامه علیه ایران تصویب نمود. به تبع قطعنامه‌های شورا، برخی دولت‌ها اقدامات فراقطعنامه‌ای زیادی علیه ایران وضع نمودند. توجیه این دولت‌ها برای اقدامات فراقطعنامه‌ای اقدامات متقابل بود. اقدامات متقابل در حقوق عدم اشاعه به دلیل خاص بودن این رژیم، با حقوق بین‌الملل عام تفاوت‌هایی دارد. پس از ورود شورا روابط حقوقی دولت‌ها با یکدیگر و ایران پیچیده‌تر نیز گشته بود.

## کلیدواژه‌ها:

شورای امنیت، قطعنامه‌های شورا، اقدامات فراقطعنامه‌ای، اقدامات متقابل، حقوق عدم اشاعه.

## مقدمه

قطعنامه‌های مرتبط با برنامه‌ی هسته‌ای ایران، بعضاً تعهدات ابره‌ام‌آلودی را به دولت‌ها تحمیل کرده بود. برخی دولت‌ها با استقبال از چنین قطعنامه‌هایی به روشنی گام را فراتر از قطعنامه‌ها گذاشته و بیش از آنچه که در قطعنامه‌ها تصریح شده بود، مبادرت به اجرای قطعنامه‌های مزبور نمودند. پرسشی که مطرح می‌شود این است که ماهیت حقوقی اقدامات فراقطعنامه‌ای دولت‌ها که پیش و پس از تصویب قطعنامه‌ها ترتیب دادند، چیست و در زمره‌ی کدام نوع از اقدامات، اقدامات متقابل و تحریم‌های ملل متحد (اقدامات عمودی)، دسته‌بندی می‌شوند؟

تحریم‌های ملل متحد اقداماتی عمودی هستند و بنابراین با توجه به جایگاه و منشأ این تحریم‌ها، قطعنامه‌ها باید به‌طور دقیق اجرا شوند؛ اما اقدامات متقابل از نقض یک قاعده‌ی حقوق بین‌الملل نشئت می‌گیرند، دیوان‌های داوری و قضایی به فراخور قضیه اقدامات متقابل و شروط شکلی موردنیاز برای توسل به این اقدامات را تعیین کرده‌اند؛ بنابراین به لحاظ عرفی این اقدامات از دیرباز مورد توجه دیوان‌های بین‌المللی بوده‌اند. حوزه‌ی اقدامات متقابل در قطعنامه‌های هسته‌ای ایران، به‌ناچار سایر حوزه‌ها را دربرمی‌گیرد، چراکه اقدامات متقابل در پاسخ و برای وادار کردن دولت متخلف به ایفای تعهدات خویش می‌باشد. در برنامه‌ی هسته‌ای ایران، حقوق عدم‌اشاعه و نقض آن اقدامات متقابل را توجیه می‌نماید نه قطعنامه‌های شورا؛ زیرا همان‌گونه که ذکر آن رفت، اقدامات متقابل تفاوت‌های اساسی با نظام تحریم‌های ملل متحد دارد و بنابراین در پاسخ به نقض یک قاعده‌ی حقوق عدم‌اشاعه دولت‌ها باید اقدامات متقابل را اتخاذ نمایند. ورود شورای امنیت به برنامه‌ی هسته‌ای ایران به پیچیدگی این برنامه افزوده است، زیرا متعاقب مواد ۲۵ و ۱۰۳ منشور ملل متحد، تعهدات منشور بر سایر تعهدات توافقنامه‌ای رجحان و برتری دارد و بنابراین اقدامات متقابل و ورود شورا، مباحثی را در این حوزه مطرح کرده است.

حقوق قطعنامه‌های شورا در مرحله‌ی اجرا، در آنجا که تعهدات شفاف و مشخص است، چندان پیچیده نیست، ولی پیچیدگی زمانی است که دولت‌ها دو نوع منبع برای اجرای قطعنامه‌های شورا در اختیار داشته باشند: از یک طرف قطعنامه‌های شورا (نظام تحریمی یا اقدامات عمودی) و از طرف دیگر حقوق عدم‌اشاعه (اقدامات متقابل یا اقدامات افقی). در وضعیت‌های حقوقی که مورد مخاطب شورا قرار می‌گیرند، باید ماهیت تعهدات نیز ملحوظ توجه واقع شود. ماهیت تعهدات از یک سو و قطعنامه‌های شورای امنیت از سوی دیگر بر نظام

مسئولیت دولت‌ها تأثیرگذار هستند. در قطعنامه‌های مربوط به برنامه هسته‌ای ایران، تعهدات موجود حقوق عدم اشاعه بودند و باید این تعهدات را مورد بررسی قرار داد.

اقدامات متقابلی که علیه دولت ایران صورت گرفت بخشی مربوط به این قسمت از تعهدات بوده است. رابطه اقدامات متقابل و شورای امنیت را می‌توان به سه دسته تقسیم نمود: الف) عدم پایبندی ایران به تعهدات عدم اشاعه موجود در کنوانسیون ان‌پی‌تی و اتخاذ اقدامات متقابل تا سال ۲۰۰۶ (اولین قطعنامه فصل هفتمی شورا ۱۶۹۶؛ ب) ورود شورای امنیت به پرونده هسته‌ای ایران و تجویز نظام عمودی اقدامات موقتی (تحریم‌های ملل متحد)؛ ج) اقدامات متقابلی که پس از ورود شورا علیه دولت ایران راه‌اندازی شد.

برای اتخاذ اقدامات متقابل، دولت زیان‌دیده در حقوق بین‌الملل و حقوق عدم اشاعه به درستی باید مشخص گردد. علاوه بر آن ورود شورای امنیت به پرونده هسته‌ای ایران باعث شده است تا رکن مذکور به‌عنوان مدعی‌العموم دولت‌های زیان‌دیده در نظر گرفته شود و نظام عمودی از تحریم‌هایی را تجویز نماید. اجرای قطعنامه‌های شورای امنیت در یک مرحله و تضمین اجرای قطعنامه‌های شورا در یک مرحله بالاتر نباید با اقدامات متقابل خلط گردد؛ زیرا این اقدامات اضافی برای وادار کردن دولت‌ها، از جمله دولت ایران، به اجرای تعهدات خود در نظام ان‌پی‌تی می‌باشد. ولی دولت‌هایی مانند ژاپن، استرالیا، کانادا، آمریکا و بریتانیا که اقدامات اضافی‌تری را ترتیب می‌دادند، اعتبار و زمینه حقوقی خود را از قطعنامه‌های ۱۶۹۶، ۱۷۳۷، ۱۷۴۷، ۱۸۰۳، ۱۸۳۵ و ۱۹۲۹ وام گرفته بودند.

## ۱- اقدامات متقابل در حقوق بین‌الملل عام

برای اولین بار در قضیه نائولیلایا، دیوان داوری اظهار داشت که برای توسل به تلافی اولین شرط وجود یک نقض به حقوق ملل<sup>۱</sup> است.<sup>۲</sup> در قضیه سیسن نیز به این اصل توجه شده بود.<sup>۳</sup> آنچه که امروزه از آن به‌عنوان اقدامات متقابل یاد می‌شود باید واجد دو خصیصه باشد: اول، نقض یک قاعده قراردادی یا عرفی؛ دوم، این نقض یک عمل متخلفانه باشد.<sup>۴</sup> بنا به گزارش

1. The Law of Nations

2. Responsibility of Germany for Damage Caused in the Portuguese Colonies in South Africa (Naulilaa) (Merit), (Portugal v. Germany), 31 July 1928, *Reports of International Arbitral Awards* 2 (R.I.A.A.), Para 1011.

3. Responsibility of Germany for Acts Committed Subsequent to 31 July 1914 and before Portugal Entered into the War ("Cysne") (Portugal v Germany), 30 June 1930, 2 *Reports of International Arbitral Awards* (R.I.A.A.), Para 1035.

4. James Crawford, Alain Pellet and Simon Olleson, (Eds), Kate Parlett, (As), *The Law of International Responsibility* (Cambridge: Oxford University Press, 2010), 471.

سوم آرانجیو روئیز، علت استفاده از اقدامات یا اقدامات متقابل نسبت به واژه‌هایی چون اصل تلافی<sup>۵</sup> عام بودن اقدامات متقابل است، زیرا اقدامات تلافی‌جویانه، توسل به زور را به اذهان متبادر می‌سازد و نیز هنگامی می‌توان از تحریم بهره جست که از طریق یک نهاد بین‌المللی تحمیل شود (اقدامات عمودی).<sup>۶</sup> طرح آگو، مبنی بر «اعمال مشروع تحریم‌ها علیه یک دولت»<sup>۷</sup> و برخلاف رضایت آن دولت در برابر عمل متخلفانه، چندان مورد استقبال کمیسیون قرار نگرفت<sup>۸</sup>، وی مفهوم تحریم‌ها را با مفاهیمی چون اصل ضرورت پیوند زده بود.<sup>۹</sup> دیوان نیز در چندین نوبت به اقدامات متقابل اشاره داشته است.<sup>۱۰</sup>

دیوان در قضیه پروژه گابچیکوو - ناگیماروش (مجارستان علیه اسلواکی)، شروط توسل به اقدامات متقابل را صراحتاً روشن کرده است و اشاره داشته است برای توسل به اقدامات متقابل باید اولاً یک عمل متخلفانه صورت بگیرد و ثانیاً علیه دولت متخلف برای پایان دادن به آن اعمال باشد.<sup>۱۱</sup> پیش از دیوان، دیوان داوری در قضیه Air Servic Agreement Case به اقدامات متقابل پرداخته بود؛ بنابراین هر دولتی یک وضعیت حقوقی در رابطه با دولت دیگر برقرار می‌نماید، باتوجه به حقوق بین‌الملل حاضر و حقوق توسل به زور محدودیت‌هایی باید در رابطه با اقدامات متقابل اتخاذ شود.<sup>۱۲</sup> یکی از اصول ریشه‌دار، حفظ تناسب<sup>۱۳</sup> در رابطه با قاعده نقض شده و اتخاذ اقدامات متقابل است. دیوان داوری معتقد بود باید اصل تناسب، به‌عنوان مهم‌ترین اصل و به دقت در اتخاذ اقدامات متقابل رعایت شود.<sup>۱۴</sup> دیوان نیز در رأی گابچیکوو این موضوع را تأیید کرده بود.<sup>۱۵</sup> بنا به اقدامات متخذه توسط

5. Reprisal

6. Gaetano Arangio-Ruiz, *Third Report on State Responsibility*, A/CN.4/440 and Add.1, p. 17, Para 51.

7. Applying Legitimate Sanctions against a State

8. Roberto Ago, "Eighth Report on State Responsibility, The Internationally Wrongful Act of the State, Source of International Responsibility (part 1)," (New York: International Law Commission, 1980), p. 41, para 3-5.

9. Ibid, p. 41, para 6.

10. United States Diplomatic and Consular Staff in Tehran, Judgment, *I. C. J. Reports* 1980, para 53; Military and Paramilitary Activities in and against Nicaragua (Nicaragua v. United States of America), Merits, Judgment, *I.C.J. Reports* 1986, Para 248.

11. Gabčíkovo-Nagymaros Project (Hungary/Slovakia), Judgment, *I. C. J. Reports* 1997, paras 82-85.

12. Arbitral Award of 9 December 1978 in the Case Concerning the Air Service Agreement of 27 March 1946 between the United States of America and France, United Nations, Reports of International Arbitral Awards (RIAA), Vol. XVIII, p. 443, Para 81.

13. Proportionality

14. Air Service Agreement of 27 March 1946 between the United States of America and France, op.cit. pp. 443-444, paras 82-89.

15. Gabčíkovo-Nagymaros Project (Hungary/ Slovakia), Para 85.

دولت‌های اروپایی و آمریکایی مازاد بر قطعنامه‌های شورای امنیت<sup>۱۶</sup>، این اقدامات تحت لوای مفهوم دولت زیان‌دیده در حقوق بین‌الملل عموماً و در حقوق عدم‌اشاعه خصوصاً، قابل‌بررسی است.

لازم به ذکر است «مبادرت به این اقدامات از جهات مختلفی موردانتقاد قرار گرفته است. نخست از این جهت که دولت زیان‌دیده، خود درمورد ارزیابی رفتار دولت ناقض تعهد به قضاوت می‌نشیند. به‌علاوه، بیشتر دولت‌های قدرتمند به این اقدامات مبادرت می‌کنند. همچنین این اقدامات در معرض خطر تشدید و گسترش وضعیت هستند. منظور اینکه دولت هدف ممکن است به این نتیجه برسد که در معرض اقدامات متقابل غیرموجه قرار گرفته و لذا به اقدامات متقابلی در واکنش به اقدامات متقابل اولیه دولت زیان‌دیده دست زند و این‌گونه وضعیت موجود با تشدید تدابیر و اقدامات وخیم‌تر شود.»<sup>۱۷</sup>

دولت‌ها برای تزریق میزان مشخصی از الزام‌آوری به یک پدیدار حقوقی باید بافتار قانونی و مناسب با آن را نیز ارائه نمایند. پرسشی که در اینجا مطرح می‌شود، این است که حقوق قابل‌اعمال برای دولت‌هایی که اقدامات یک‌جانبه و فراتر از قطعنامه‌ها را علیه ایران ترتیب دادند، چیست؟ به عبارت بهتر ماهیت حقوقی اقدامات یک‌جانبه در پرونده هسته‌ای ایران چه بود؟ تحریم، اقدام تلافی‌جویانه<sup>۱۸</sup> یا اقدامات متقابل؟ برای رسیدن به پاسخ سؤال باید ماهیت حقوقی تعهداتی که ادعای نقض آنها وجود دارد (در پرونده ایران و تعهدات ان‌پی‌تی) موردبررسی قرار گیرد. از سوی دیگر در پرونده هسته‌ای ایران دو نوع واضح و مجری اقدامات یک‌جانبه علیه کشور وجود داشت: الف) دولت‌ها، مانند ژاپن، ایالات‌متحده، کانادا و استرالیا؛ ب) سازمان‌های بین‌المللی یعنی اتحادیه اروپا. پیش‌نویس ۲۰۱۱ کمیسیون درمورد مسئولیت بین‌المللی سازمان‌های بین‌المللی در این خصوص می‌تواند راهگشا باشد. ماده ۲۲ پیش‌نویس ۲۰۱۱ اتخاذ اقدامات متقابل یک سازمان بین‌المللی علیه یک دولت را مطرح نمی‌نماید، بلکه پیش‌نویس ۲۰۱۱ مربوط به اتخاذ اقدامات متقابل یک سازمان بین‌المللی علیه سازمان بین‌المللی دیگر است.<sup>۱۹</sup> کمیسیون در شرح ماده ۲۲ اظهار داشته است که «پیش‌نویس مواد

16. Foreign Affairs Committee, *Global Security: Iran, Fifth Report, together with Formal Minutes, Oral and Written Evidence*, (HC 142 2007-08, 02 Mar 2008), p. 55, para 157.

۱۷. سید جمال سیفی و علیرضا ابراهیم‌گل، «تأثیر اقدامات متقابل در اجرای مسئولیت بین‌المللی دولت با تأکید بر مسئولیت ناشی از منافع جمعی»، *مجله تحقیقات حقوقی* ۶(۵۳) (۱۳۹۰)، ۱۴۲.

18. Retorsion

19. Pierre-Emmanuel Dupont, "Countermeasures and Collective Security: The Case of the EU Sanctions against Iran," *Journal of Conflict and Security Law* 17 (June 18, 2012): 21-22.

حاضر شروطی قانونی برای اقدامات متقابل از جانب یک سازمان بین‌المللی زیان‌دیده علیه یک دولت مسئول را تجویز نمی‌نماید.<sup>۲۰</sup> بنابراین یک سازمان بین‌المللی نمی‌تواند علیه یک دولت به اقدامات متقابل متوسل شود؛ بنابراین توجیه حقوقی اقدامات اتحادیه اروپا و سایر دولت‌ها در اتخاذ اقدامات یک‌جانبه پیش‌نویس ۲۰۰۱ مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها برای اعمال متخلفانه می‌باشد.<sup>۲۱</sup>

در قطعنامه‌های هسته‌ای ایران از آنجا که در پرونده ایران وضعیت مورد مخاطب حقوق عدم‌اشاعه بود، باید مفهوم دولت زیان‌دیده در حقوق مزبور مورد تدقیق قرار گیرد. پیش از مطرح شدن مفهوم دولت زیان‌دیده در حقوق بین‌الملل، واژه دولت ثالث مطرح بود ولی در یک چشم‌به‌هم‌زدنی<sup>۲۲</sup> به علت نامناسب بودن واژه، کنار گذاشته شد.<sup>۲۳</sup> جیمز کرافورد، مخبر ویژه کمیسیون در ۲۰۰۰، یک تفاوت اساسی میان حقوق<sup>۲۴</sup> (منبعث از یک تعهد دوجانبه) و منفعت حقوقی<sup>۲۵</sup> (متعلق به جامعه بین‌المللی در کل) گذاشته بود.<sup>۲۶</sup> وی دولت زیان‌دیده را در مفهوم مورد تجاوز واقع شدن حقوق آن دولت به وسیله دولت دیگر تعریف کرده بود، حتی در کنوانسیون‌های چندجانبه.<sup>۲۷</sup> این دسته‌بندی نیز مورد تأیید کمیسیون واقع نشد، در واقع در این صورت کلیه دولت‌هایی که رابطه مسئولیتی<sup>۲۸</sup> با دولت متخلف داشتند، دولت زیان‌دیده<sup>۲۹</sup> قلمداد می‌شدند. بعد از بحث و بررسی‌های فراوان کمیسیون به نوع تعهد توجه ویژه داشته است و ماحصل این نوع دسته‌بندی ظهور مواد ۴۲ و ۴۸ پیش‌نویس ۲۰۰۱ شده است.<sup>۳۰</sup>

جیمز کرافورد، به تعهدات جامع اشاره داشته است، در این تعهدات، اجرای تعهدات از یک طرف معاهده برای اطراف دیگر ضروری و اساسی است و این تعهدات متضمن حقوق همه اطراف معاهده است.<sup>۳۱</sup> پیش از کرافورد، فیتز موریس، گزارشگر کمیسیون در حقوق معاهدات،

20. Commentaries on the Draft Articles on the Responsibility of International Organizations, in 2011 ILC Yearbook II(2), Article 22.

21. Ibid, 22.

22. Ictu Oculi

23. *Yearbook of the International Law Commission*, 1991, vol. II (Part One), Document A/CN.4/440 and Add. 1., Para 90.

24. Rights

25. Legal Interests

26. James Crawford, *Third Report on State Responsibility*, A/CN.4/507 and Add.1-4; 15 March, 15 June, 10 and 18 July and 4 August 2000, Paras 96-98.

27. State Responsibility, *Yearbook of the International Law Commission*, 1996, vol. II, part two, A/CN.4/SER.A/1996/ADD.1 (Part 2), 62.

28. Responsibility Relationship

29. Injured State

30. Crawford, Pellet and Olleson, (Eds), Parlett, (As), op.cit. 942.

31. Crawford, "Third Report on State Responsibility," op.cit., Para 91.

تعهدات چندجانبه‌ای<sup>۳۲</sup> را به سه نوع: الف) تعهدات دوطرفه؛<sup>۳۳</sup> ب) تعهدات خودموجود؛<sup>۳۴</sup> ج) تعهدات هم‌بسته<sup>۳۵</sup> تقسیم‌بندی کرده بود.<sup>۳۶</sup> تعهدات هم‌بسته، برخلاف تعهدات خودموجود، کاملاً به طرف مقابل بستگی دارد و در صورت عدم اجرای یک طرف معاهده، کلیه اطراف معاهده را تحت تأثیر قرار می‌دهد و اجرای آن را ناممکن و موجودیت معاهده را به خطر می‌اندازد، مانند معاهدات خلع سلاح.<sup>۳۷</sup> یا می‌توان پیمان ۱۹۵۹ جنوبگان را نام برد، در این پیمان طرفین متعهد شده‌اند تا هیچ حاکمیت سرزمینی بر جنوبگان اعمال نکنند.<sup>۳۸</sup> لازم به اشاره است باید یک تفکیک میان تعهدات جامع و تعهدات هم‌بسته گذاشته شود؛ زیرا تعهدات جامع ارتباطی به نحوه اجرای تعهدات توسط اطراف معاهده ندارند؛<sup>۳۹</sup> بنابراین برخلاف تعهدات هم‌بسته (مانند معاهدات خلع سلاح) نقض یک تعهد جامع (مانند کنوانسیون‌های حقوق بشری) مانع از اجرای آن تعهد توسط طرف دیگر معاهده نمی‌شود. در واقع ماده ۴۲ پیش‌نویس ۲۰۰۱ ناظر بر مواردی است که وضعیت حقوقی اطراف یک معاهده در حین نقض آن به صورت رادیکال یا اساسی تحت تأثیر قرار گیرد.<sup>۴۰</sup> چنین مقرره‌ای مسبوق به سابقه بوده است، زیرا در شق (c) از بند ۲ ماده ۶۰ کنوانسیون حقوق معاهدات، از تعهدات هم‌بسته نام برده شده بود و کمیسیون اشعار داشته بود، باید تفکیکی میان دو نوع پاسخ قائل شد، پاسخ یک دولت به نقض یک تعهد هم‌بسته به صورت انفرادی و پاسخ جمعی تعدادی از دولت‌ها که به طور خاص از آن نقض متأثر شده‌اند.<sup>۴۱</sup> از نظر کمیسیون نمونه چنین تعهداتی را می‌توان در معاهدات خلع سلاح جست. در این گونه معاهدات نقض یکی از اطراف معاهده، کل رژیم معاهده را به خطر می‌اندازد؛<sup>۴۲</sup> ولی آنچه در تفصیل ماده ۶۰ کنوانسیون حقوق معاهدات آمده

32. Multilateral Obligations

33. Reciprocal

34. Self-Existent

35. Interdependent Obligations

36. Gerald Fitzmaurice, "Third Report on the Law of Treaties, [18 March 1958]," (United Nations International Law Commission, A/CN.4/115, March 1958), p. 54, Para 124.

37. Daniel H. Joyner and Marco Roscini, (Eds), *Non-Proliferation Law as a Special Regime: A Contribution to Fragmentation Theory in International Law* (Oxford: Cambridge University Press, 2012), 206-208.

38. *International Law Commission, Draft Articles on Responsibility of States for Internationally Wrongful Acts with Commentaries*, November 2001, Supplement No. 10 (A/56/10), chp.IV.E.1, commentary of Art. 42, p. 119, Para 14.

39. Katselli E. Proukaki, *The Problem of Enforcement in International Law: Countermeasures, The Non-Injured State and the Idea of International Community* (New York: Routledge, 2010), 81.

40. Crawford, Pellet and Olleson, (Eds), Parlett, (As), op.cit. 945.

41. *Yearbook of the International Law Commission*, 1966, vol. II, document A/CN.4/SER.A/1966/Add.1, p. 255.

42. YILC, 1966, vol. II, p. 255, para 8.

است، با آنچه که در ماده ۴۲ پیش‌نویس ۲۰۱۱ تصریح شده است، تفاوت‌های اساسی دارد. شق (c) از بند ۲ ماده ۶۰ کنوانسیون حقوق معاهدات رویکرد معاهده‌ای و قراردادی نسبت به تعهدات دارد ولی پیش‌نویس ۲۰۰۱، نگرش عرفی را به تعهدات مطرح می‌نماید (مانند تعهدات عام‌الشمول)؛ بنابراین تعهدات هم‌بسته به‌ندرت در تعهدات عرفی تحلیل می‌شود.<sup>۴۳</sup>

## ۲- اقدامات متقابل در حقوق عدم‌اشاعه

برای تعیین حقوق قابل‌اعمال در پرونده هسته‌ای ایران، تعهدات هم‌بسته از منظر عرفی (مُصَرَّح در ماده ۴۲ پیش‌نویس ۲۰۰۱ مسئولیت دولت‌ها) محلی از اعراب ندارد. از این رو باید قطعنامه‌های شورا را در قالب تعهدات هم‌بسته در کنوانسیون ۱۹۶۹ حقوق معاهدات (مُصَرَّح در شق (c) از بند ۲ ماده ۶۰ کنوانسیون حقوق معاهدات) تحلیل نمود؛ زیرا پیش‌نویس ۲۰۰۱ دامنه شمولیت بالایی دارد و هر نوع نقضی را دربرمی‌گیرد از قواعد آمره تا کنوانسیون‌های حقوق بشری. ولی کنوانسیون ۱۹۶۹ تنها منابع قراردادی و دولت‌های ثالث و طرف یک معاهده مانند ان‌پی‌تی را مدنظر قرار داده است. شورا در قطعنامه ۱۶۹۶ و ۱۷۳۷ خود از ایران «تقاضا می‌کند که در این چهارچوب، ایران تمامی فعالیت‌های مربوط به غنی‌سازی و بازآوری من جمله تحقیق و توسعه را تعلیق نماید تا موردراستی‌آزمایی اژانس قرار گیرد.»<sup>۴۴</sup> این تجویز، به‌زعم شورا درواقع پاسخ به نقض یک تعهد هم‌بسته مطروحه در نظام ان‌پی‌تی می‌باشد. وفق ماده ۱۰۳ شورا، قطعنامه شورا مرجح بر تعهدات توافقنامه‌ای دولت‌هاست؛ بنابراین ورود شورای امنیت و تجویزات آن، نظام ان‌پی‌تی به‌عنوان قواعد اولیه و قواعد ثانویه آن را منتفی به انتفاء موضوع خواهد نمود.

از نظر ریفاگن گاهی اوقات قواعد اولیه، توسط قواعد ثانویه تکمیل می‌شوند و قواعد ثانویه است که مقوم قاعده اولیه می‌شود. به باور وی، محتوای یک قاعده اولیه زمینه را فراهم می‌آورد تا قاعده ثانویه‌ای آن را تکمیل نماید.<sup>۴۵</sup> اکثر معاهدات عدم‌اشاعه، از شورای امنیت برای عدم‌پابندی به مفاد عدم‌اشاعه استفاده می‌نمایند. در صورتی که به‌علت عدم‌پابندی یک دولت، آیین‌های مراقبتی و نظارتی نتوانند به اجرا درآیند، شورای امنیت ورود

43. Crawford, Pellet and Olleson, (Eds), Parlett, (As), op.cit. 946.

44. UNSC Res. 1696, Para 2.

45. Willem Riphagen, "Fourth Report on State Responsibility," (Yearbook of the International Law Commission, New York: International Law Commission, 1983), pp. 8-20, Paras. 12-31.



پیدا می‌کند.<sup>۴۶</sup> بدین‌سان پس از ورود شورا، بین دولت‌ها رابطه مسئولیتی خاص، جدید و عمودی با ایران یا هر دولتِ موردِ مخاطب شورا تأسیس می‌شود. این رابطه مسئولیتی برای قوام بخشی به «نظم امنیت بین‌الملل» می‌باشد، نه «نظم عمومی» مورد نیاز برای جامعه بین‌المللی. نظم امنیت بین‌الملل تفاوت‌های بسیاری با «نظم عمومی» دارد؛ زیرا نظم امنیت بین‌المللی واجد حداقل حزم و دوراندیشی‌های شورا برای پیشگیری از فروریختن رژیم منشور است، در صورتی که «نظم عمومی» برای محافظت از «حقوق بنیادین» فرد در حقوق بین‌الملل است که برای پی‌افکندن «جامعه بین‌المللی در کل» مبتنی بر «نظم عمومی» گریزناپذیر است؛ بنابراین دولت‌هایی مانند دولت‌های اروپایی و غربی نمی‌توانند خود را درگیر چنین برداشت‌های اشتباهی از «جامعه بین‌المللی در کل» نمایند.

پیش از اتمام بحث لازم است تا اقدامات متقابل در حقوق عدم اشاعه از منظر تعهدات عرفی (پیش‌نویس ۲۰۰۱) نیز تحلیل شود. شق (i) از بند (b) ماده ۴۲ پیش‌نویس ۲۰۱۱، دولت‌هایی که به‌طور خاص متأثر شده‌اند را نیز دولت زیان‌دیده معرفی می‌کند. کمیسیون مثالی از آلودگی دریای آزاد را در پیش‌نویس آورده است. آلودگی دریای آزاد، دولت‌های ساحلی را به‌طور خاص زیان‌دیده می‌نماید، بنابراین این دولت‌ها، دولت‌های زیان‌دیده هستند.<sup>۴۷</sup>

در حین تدوین پیش‌نویس ۲۰۰۱، برخی دولت‌ها نسبت به اقدامات متقابل مخالفت‌هایی داشتند، برای نمونه دولت ژاپن به مفهوم «دولت زیان‌دیده»<sup>۴۸</sup> و «به‌طور خاص متأثر شدن»<sup>۴۹</sup> معترض بود؛ زیرا این مفاهیم واضح نبودند.<sup>۵۰</sup> از دیدگاه کمیته تهبیه پیش‌نویس ۲۰۰۱، دولت زیان‌دیده تا حدود زیادی به قواعد اولیه نقض شده و اوضاع و احوال هر مورد بستگی دارد و در حوزه قواعد ثانویه، به موارد مفهوم دولت زیان‌دیده و اقدامات پسینی آن وابسته است.<sup>۵۱</sup> برخی از دولت‌ها نسبت به اقدامات متقابل و آثار مفهوم دولت زیان‌دیده توضیحاتی را مطرح کرده بودند.<sup>۵۲</sup>

46. H. Joyner and Roscini, (Eds), op.cit. 223.

47. Draft Articles on Responsibility of States for Internationally Wrongful Acts with Commentaries, November 2001, p. 119, para 12.

48. Injury

49. (being) Affected

50. *Comments and Observations Received from Governments*, A/CN.4/515 and Add.1-3, 2001, See Comments of Japan, 74.

51. *Yearbook of the International Law Commission*, 2000, vol. I, A/CN.4/SER.A/2000, at pp. 393-394, para. 50.

52. *Comments and Observations Received from Governments*, A/CN.4/515 and Add.1-3, 2001, See Comments of Netherlands, 75.

مستفاد از ماده ۴۲ پیش‌نویس ۲۰۰۱ در حقوق منع اشاعه، دولت زیان‌دیده در سه مفهوم قابل‌تبیین است:

الف) شیق (a) از ماده ۴۲ اشعار می‌دارد دولتی که منفرداً زیان‌دیده شده است، نمونه چنین اِضراری در تعهد کشورها به اطلاع و مشورت پیش از شروع یک عمل است. برای نمونه ماده ۴ پیمان منطقه‌ عاری از سلاح هسته‌ای جنوب شرق آسیا اشعار می‌دارد «هیچ‌کدام از مفاد این پیمان مانعی بر استفاده صلح‌آمیز اطراف معاهده از انرژی هسته‌ای نمی‌باشد، ولی پیش از چنین فعالیتی طرفین باید از ایمنی‌های شدید هسته‌ای و پیشنهادی سازمان بین‌المللی انرژی اتمی برآورد مؤثری داشته باشند.»<sup>۵۳</sup> مشاهده می‌شود در یک معاهده چندجانبه تعدد دولت‌هایی که منفرداً زیان‌دیده می‌شوند، زیاد است و بنابراین حقوق تک‌تک دولت‌ها در معاهدات چندجانبه موضوعیت پیدا می‌کند و حالت فاعلی<sup>۵۴</sup> دارد؛<sup>۵۵</sup>

ب) ماده 42(b)(i) پیش‌نویس ۲۰۰۱ در معاهدات منع اشاعه و خلع سلاح؛ در پیش‌نویس ۲۰۰۱ منظور دولتی است که به‌طور خاص متأثر می‌شود و دولت متأثرشده را از بقیه دولت‌هایی که در یک معاهده ذی‌نفع هستند، جدا می‌کند.<sup>۵۶</sup> از منظر حقوق عدم‌اشاعه می‌توان به معاهده ۱۹۶۷ منع سلاح‌های هسته‌ای در آمریکای لاتین و کارائیب<sup>۵۷</sup> اشاره داشت. در قطعنامهٔ اژانس منع سلاح‌های هسته‌ای در آمریکای لاتین و کارائیب (نهاد برآمده از معاهده ۱۹۶۷) تأکید شده است که «دولت‌های عضو متعهد می‌شوند تا از هرگونه فعالیتی که متضمن نقض مفاد معاهده است و نیز از تهدید یا استفاده از آن علیه یکدیگر، خودداری ورزند.»<sup>۵۸</sup>

53. H. Joyner and Roscini, (Eds), op.cit. 180; See Also: *Treaty on the Southeast Asia Nuclear-Weapon-Free Zone*, 35 ILM 356 (1995), Art. 4: (b) prior to embarking on its peaceful nuclear energy programme, to subject its programme to rigorous nuclear safety assessment conforming to guidelines and standards recommended by the IAEA for the protection of health and minimization of danger to life and property in accordance with paragraph 6 of Article III of the Statute of the IAEA.

54. Subjective

55. Crawford, "Third Report on State Responsibility," para. 94.

56. Draft Articles on Responsibility of States for Internationally Wrongful Acts with Commentaries, p. 119, para 12.

57. Treaty for the Prohibition of Nuclear Weapons in Latin America and the Caribbean, Treaty of Tlatelolc.

58. *Agency for the Prohibition of Nuclear Weapons in Latin America and the Caribbean*, General Assembly Resolution 3472 (XXX), Comprehensive Study of the Question of Nuclear-Weapon-Free Zones in all Its Aspects, (11 December 1975), Para 2.

فارغ از تعهدات موجود در منشور، در نظام حقوق عدم اشاعه تعهداتی از این قبیل، تعهدات *Erga Omnes Partes* به شمار می‌روند. ماده ۲ معاهده بانکوک<sup>۵۹</sup> و ماده ۳ از پروتکل دوم الحاقی به معاهده ۱۹۶۷ منع سلاح‌های هسته‌ای در آمریکای لاتین و کارائیب<sup>۶۰</sup>، نمونه‌هایی از تعهدات *Erga Omnes Partes* هستند.<sup>۶۱</sup>

ج) ماده 42(b)(ii) پیش‌نویس ۲۰۰۱ در حقوق عدم اشاعه: این ماده ناظر بر مواردی است که نقض یک تعهد دارای چنان ویژگی است که از نظر ادامه اجرای تعهد، وضعیت سایر دولت‌هایی را که تعهد در قبال آنها وجود دارد به‌طور اساسی تغییر می‌دهد.<sup>۶۲</sup> جیمز کرافورد در گزارش چهارم خود به کمیسیون به رابطه میان نظام مسئولیت دولت‌ها در حقوق بین‌الملل کنونی و شق (c) از بند ۲ ماده ۶۰ کنوانسیون حقوق معاهدات پرداخته است. به نظر آنچه که در ماده ۶۰ کنوانسیون آمده است، در صورت نقض ماهوی یک تعهد هم‌بسته، یک دولت می‌تواند تعهدات خود را نه تنها در مقابل دولت متخلف، بلکه در مقابل کلیه دولت‌ها معلق نماید. در صورتی که در معاهدات حقوق بشری، چنین نیست و در صورت نقض تعهد حقوق بشر توسط یک دولت، سایر دولت‌ها نمی‌توانند تعهدات حقوق بشری خود را نادیده بگیرند.<sup>۶۳</sup> آنچه که در رویه دولت‌ها (به‌عنوان یکی از منابع حقوق بین‌الملل)<sup>۶۴</sup> در حقوق عدم اشاعه مشخص است، عدم استناد دولت‌های عضو پیمان، به نظام مسئولیت دولت می‌باشد. به جای توسل بر قواعد عام، دولت‌ها سعی دارند تا از نهادهای پایبندی و آیین‌های کنترلی استفاده نمایند.<sup>۶۵</sup> آگو در گزارش پنجم خود گریزی به رژیم‌های خاص زده بود. از نظر وی، دولت‌ها در یک رژیم

۵۹. این ماده اشعار می‌دارد: «هریک از دولتین طرفین متعهد می‌شوند تا از استفاده از سلاح هسته‌ای و یا تهدید آن علیه دولت‌های اطراف خودداری ورزند.»  
۶۰. مقررۀ مذکور نیز دقیقاً به مانند ماده ۲ معاهده بانکوک می‌باشد.

61. H. Joyner and Roscini, (Eds), op.cit. 180.

62. Draft Articles on Responsibility of States for Internationally Wrongful Acts, November 2001, Art. 42.

63. James Crawford, "Fourth Report on State Responsibility," (New York: International Law Commission, 2001), p. 11, Para 38.

64. Factory at Chorzów, Jurisdiction, Judgment, 1927, No 9, *P.C.I.J.*, Series A, at pp. 20-22; S.S. "Wimbledon" (Britain, France, Italy & Japan (Poland Intervening) v. Germany), Judgment, *P.C.I.J.* Series A, p. 25; North Sea Continental Shelf, Judgment, *I.C.J. Reports* 1969, Para 71; Fisheries Jurisdiction (United Kingdom of Great Britain and Northern Ireland v. Iceland), Merits, *I.C.J. Reports*, 1974, Paras 51-53; Interpretation of the Agreement of 25 March 1951 between the WHO and Egypt, Advisory Opinion, *I. C. J. Reports*, 1980, Paras 45-46; Arrest Warrant of 11 April 2000 (Democratic Republic of the Congo v. Belgium), Judgment, *I.C.J. Reports* 2002, Para 58.

65. H. Joyner and Roscini, (Eds), op.cit. 192.

خاص، نظام خاصی از مسئولیت‌ها را متعهد می‌شوند<sup>۶۶</sup> و بنابراین، در صورت عدم پایبندی دولتی به رژیم خاصی مانند عدم‌اشاعه، دولت‌ها نمی‌توانند به نظام اقدامات متقابل، بنا به تشخیص و صلاح‌دید خود، متوسل شوند.

باتوجه به گزارشات ریفاگن، در حقوق بین‌الملل سیستم‌ها و زیرسیستم‌های<sup>۶۷</sup> بسیاری وجود دارد و در برخی رژیم‌ها نمی‌توان مرز میان قواعد اولیه و قواعد ثانویه را به‌طور دقیقی مشخص نمود. در برخی موارد قواعد اولیه و ثانویه درهم‌تنیده شده است.<sup>۶۸</sup>

باتوجه به گزارش‌های ریفاگن، وجود رژیم‌های خاص به معنای جدایی کامل این رژیم‌ها از حقوق بین‌الملل عام نمی‌باشد؛ زیرا در هر صورت این اقدامات نیز باید با حقوق بین‌الملل هم‌خوانی داشته باشند.<sup>۶۹</sup> در آن زمان نقض یک قاعده از یک رژیم خاص، توجه ریفاگن را بدان جلب کرده بود. ریفاگن اظهار داشته است، تعدد زیرسیستم‌ها و رژیم‌های خاص، قواعد ثانویه را دچار مشکل خواهد نمود؛ زیرا اقدامات متقابلی که در پاسخ به یک قاعده اولیه از یک رژیم خاص (تعهدات عدم‌اشاعه در پرونده هسته‌ای ایران) اتخاذ می‌شود، ممکن است با اقدامات یک رژیم خاص دیگر (رژیم تحریمی ملل متحد و شورای امنیت) در تعارض باشد.<sup>۷۰</sup> نمونه آشکار تعارض رژیم‌های خاص در پرونده هسته‌ای ایران مشهود است. از نظر ریفاگن نیز تعیین یک نظام معین و مشخص از تبعات حقوقی نقض یک رژیم خاص، ضروری می‌نماید. نظامی که در آن دولت‌های زیان‌دیده از یک سو مشخص باشد و از سوی دیگر نظام اقدامات متقابل نیز به‌طور دقیق تعیین شده باشد؛ بنابراین وجود یک نوع سلسله‌مراتب در نظام اقدامات متقابل و تحریم‌های ملل متحد باید وجود داشته باشد تا بتواند، پس از نقض ماهوی یک رژیم بین‌المللی و عام‌الشمول و ورود شورای امنیت به آن، دولت‌های جهان و شورای امنیت نتوانند خودسرانه اقداماتی را ترتیب دهند.

در صورت عدم پایبندی و یا نقض یک تعهد، نوع اقدامات پسینی برای وادار نمودن دولت متخلف به ایفای تعهدات خویش، متأثر از نوع تعهدات است. اقدامات فراتر از حد قطعنامه‌های شورا و تحمیلی بر ایران، فی‌الواقع منبعث از تعهدات قطعنامه‌ای و یا منشور ملل متحد نیست.

66. Roberto Ago, *Fifth Report on State Responsibility*, the Internationally Wrongful Act of the State, Source of International Responsibility (Continued), A/CN.4/291 and Add.1 & 2 and Corr.1, 22 March, 14 April and 4 May 1976, p. 6, para 14.

67. Subsystems

68. Willem Riphagen, *Third Report on State Responsibility*, Yearbook of the International Law Commission, 1982 vol. II, Part one, A/CN.4/SER.A/1982/Add.1 (Part 2), p. 28, Para 35.

69. Ibid, p. 39, para 104.

70. Ibid, p 33, para 72.

هر نوع از اقدامات پسینی، موقتی و متقابل اصولاً و اساساً مبتنی بر نقض یک قاعده حقوق بین‌الملل می‌باشند. در قطعنامه‌های ایران این اقدامات فقط می‌تواند از حقوق عدم اشاعه گرفته شود. بعد از ورود شورا به برنامه هسته‌ای ایران، ساماندهی اقدامات متقابل به عهده شورا و کمیته‌های مزبور گذاشته می‌شود، ولی در پرونده هسته‌ای ایران دولت‌ها مبتکر، مبدع و مجری اقدامات با ابزاری به نام «تضمین اجرای قطعنامه‌های شورای امنیت» شدند.

حال در اتخاذ اقدامات متقابل از سوی دولت‌های غربی باید به این پرسش پاسخ داده شود که: آیا عدم پایبندی به پادمان به معنای نقض ان پی تی است؟ پاسخ منفی است. این اقدامات در واقع باید مسوق به یک تخلف پیشینی دولت دیگر باشد که هدف از آن اعمال فشار به دولت متخلف جهت قطع تخلف و انجام تعهدات بین‌المللی است. به بیان دیگر، نقض هرگونه تعهد بین‌المللی دولت زیان‌دیده را به اتخاذ اقدامات متقابل از جمله تحریم‌های اقتصادی مستحق می‌سازد.<sup>۷۱</sup> در صورتی که در پرونده هسته‌ای ایران، اساساً نقض تعهد بین‌المللی از سوی ایران صورت نگرفته بود که مستحق اقدامات متقابل دولت‌های غربی باشد.

استدلال حقوقی کشورهای غربی مرتبط با ان پی تی این چنین است که ایران پادمان را و به طریق اولی ماده ۳ ان پی تی را نقض کرده است. در گزارشی که مرکز تحقیقات کنگره آمریکا منتشر کرده، آمده است:

«تخلف ایران از پادمان سبب شده تا ماده ۳ ان پی تی نیز نقض شود. این ماده کشورهای فاقد سلاح هسته‌ای که عضو ان پی تی هستند را ملزم می‌کند تا طبق اساسنامه آژانس، پادمان را به منظور بررسی انجام تعهدات عضو مربوطه تحت این معاهده و جلوگیری از انحراف انرژی هسته‌ای از استفاده صلح‌جویانه به سوی سلاح هسته‌ای یا دیگر ادوات انفجاری هسته‌ای بپذیرد.»<sup>۷۲</sup>

جوینر برای رسیدن به پاسخ چنین، تحلیل کرده است: ماده ۳ کشورهای فاقد سلاح هسته‌ای را ملزم می‌کند که پادمان آژانس را بپذیرند. به این تعهد در ماده ۳ (۱) اشاره شده، ولی به‌طور خاص و به‌وضوح در ماده ۳ (۴) تصریح شده که «اعضای این معاهده که فاقد سلاح‌های هسته‌ای می‌باشند جهت رعایت مفاد این ماده، موافقت‌نامه‌هایی را به صورت

۷۱. احسان جاوید، «مشروعیت اعمال تحریم‌های اقتصادی یک‌جانبه در حقوق بین‌الملل؛ ضمان اجرای حقوق

بین‌الملل یا ابزار سیاست ملی؟»، مجله تحقیقات حقوق خصوصی و کیفی ۲۲ (۱۳۹۳): ۱۱۲.

72. *Iran's Nuclear Program: Tehran's Compliance with International Obligations*, Congressional Research Service, 11, Apr. 28, 2014.

انفرادی یا به اتفاق سایر اعضاء برطبق اساسنامه آژانس بین‌المللی انرژی اتمی با آژانس منعقد می‌نمایند...» اگر تفسیر درستی ارائه شود، به‌وضوح قابل‌مشاهده است که تعهد اجرایی کشورهای فاقد سلاح هسته‌ای برای انعقاد موافقت‌نامه با آژانس در رابطه با پادمان، موجود در ماده ۳ (۴) که جزئیات آن در ماده ۳ (بندهای ۱ تا ۳) ذکر شده است، حد و حدود رابطه حقوقی ان‌پی‌تی و آژانس و پادمان آن را مشخص کرده است. این بدان معناست که تخلف یک دولت از پادمان آژانس، به‌خودی‌خود، نقض ماده ۳ ان‌پی‌تی توسط آن دولت را سبب نخواهد شد. به عبارت بهتر به‌محض انعقاد توافق پادمان با آژانس، کشورها تعهد خود نسبت به ماده ۳ پادمان را انجام داده‌اند.<sup>۷۳</sup>

یکی دیگر از استدلال‌ات حقوقی که کشورهای غربی علیه ایران بیان می‌کنند این است که فعالیت‌های ایران در زمینه تحقیق و توسعه به تولید سلاح هسته‌ای مربوط می‌شود و برای استفاده نظامی می‌باشد و همین امر متضمن نقض ماده ۲ ان‌پی‌تی و خصوصاً عبارت منع «ساخت» سلاح هسته‌ای است. همان‌طور که در ماده ۲ ان‌پی‌تی تصریح شده، کشورهای فاقد سلاح هسته‌ای «متعهد می‌شوند از قبول مستقیم یا غیرمستقیم انتقال سلاح‌های هسته‌ای یا سایر ادوات انفجاری هسته‌ای و یا کنترل بر این سلاح‌ها یا سایر ادوات انفجاری هسته‌ای به دیگری خودداری نموده و به هیچ طریقی سلاح‌های هسته‌ای یا سایر ادوات انفجاری هسته‌ای را نساخته و کسب نمایند و در جستجو و یا دریافت کمک برای ساخت سلاح‌ها یا سایر ادوات انفجاری هسته‌ای برنیایند.»<sup>۷۴</sup> این نوع استدلال کشورهای غربی در گزارش سال ۲۰۰۵ وزارت امورخارجه آمریکا مورد اشاره قرار گرفته است:

«توسعه و گسترش برنامه هسته‌ای ایران، پنهان‌سازی و فریبکاری در طول ۲۰ سال اخیر، تأمین تجهیزات از روش‌های پنهانی، تخلفات ایران راجع به گزارش‌دهی به آژانس تحت پادمان و عدم توجیه اقتصادی برنامه هسته‌ای ایران ما را به این نتیجه‌گیری رساند که ایران در تلاش برای ساخت سلاح هسته‌ای است و این با ماده ۲ ان‌پی‌تی مغایرت دارد.»<sup>۷۵</sup>

دلیل جوینر معنای مضیق واژه «ساخت» در ماده ۲ را برگزیده است. از نظر وی اولین نکته درباره پیش‌نویس اولیه ان‌پی‌تی توسط آمریکا و شوروی و وجود تفاوت آشکار راجع به واژه «ساخت» و «آمادگی برای ساخت» می‌باشد. این عبارات مختلف که دارای معانی و

73. H. Joyner and Roscini, (Eds), op.cit. 75-77.

74. Ibid, 79.

75. "Adherence to and Compliance with Arms Control, Nonproliferation and Disarmament Agreements and Commitments, Department of State, Aug. 2005," US Department of State, <http://www.state.gov/documents/organization/52113.pdf> (Accessed April 03, 2017).

گستره متفاوتی هستند و در دو پیش‌نویس بین‌المللی مورد استفاده قرار گرفته‌اند. واژه «ساخت» از گستره محدودتری نسبت به «آمادگی برای ساخت» برخوردار است و بیشتر متوجه گام‌های واقعی برای ساخت، گردهم آوردن و تولید قطعات و اجزای سلاح هسته‌ای و ادوات انفجاری هسته‌ای است. «آمادگی برای ساخت» مربوط می‌شود به گام‌های اولیه برای توسعه سلاح هسته‌ای، این مراحل شامل فراهم آوردن ظرفیت، طراحی کردن، تحقیق و توسعه است. این عبارات در پیش‌نویس‌ها مورد توجه بودند و سرانجام عبارت «ساخت» توسط اعضای متعاهدان پی‌تی‌تی‌تی گزینش شده و معنای مضیق آن مدنظر بوده است. با اعمال این تفسیر بر پرونده هسته‌ای، ایران ماده ۲ ان‌پی‌تی را نیز نقض نکرده است.<sup>۷۶</sup> ایران ان‌پی‌تی را نیز نقض نکرده بود که شایسته پاسخ و واکنشی از جانب دولت‌های غربی تحت عنوان اقدامات متقابل باشد.

مطابق با گزارش هشتمی که آگو به کمیسیون داده بود، تحریم‌های مشروع توسط یک دولت علیه دولتی اتخاذ می‌شود که به لحاظ حقوق بین‌الملل متخلف می‌باشد. وی از تحریم‌ها به عنوان اقدامات متقابل قهری<sup>۷۷</sup> نام می‌برد.<sup>۷۸</sup> با توجه به نظر آگو ماهیت برخی تعهدات، مانند تعهدات عام‌الشمول باعث می‌شود دولت‌هایی که به‌طور مستقیم زیان دیده نیستند، به مسئولیت دولت خاطی استناد نمایند، ولی تحمیل تحریم‌ها بایستی از جانب ارگان‌های صالح ملل متحد، مانند شورا، انجام شود و اجرای این تحریم‌ها مطابق با حقوق تحریم‌های تحمیلی انجام گردد نه تعهداتی که یک دولت مجری تحریم به دولت تحت تحریم دارد.<sup>۷۹</sup> ولی باید توجه داشت زمانی که شورا یک نظام تحریمی جدید را تحمیل می‌نماید، در واقع این نهاد، یک تهدید و یا یک نقض صلح و امنیت بین‌المللی را شناسایی کرده است.<sup>۸۰</sup> از نظر آگو اقدامات متقابل به‌عنوان یکی از اشکال تحریم‌ها دسته‌بندی می‌شوند.<sup>۸۱</sup> ویلم ریفاگن، مخبر بعدی کمیسیون، تفاوت اساسی را میان اقدامات متقابل، تحریم‌ها و اصل مقابله به‌مثل گذاشته است. وی اقدامات متقابل را از مقابله به‌مثل قوی‌تر و

76. H. Joyner and Roscini, (Eds), op.cit. 84 and 94.

77. A Coercive Countermeasure

78. Ago, "Eighth Report on State Responsibility," p. 41, para 63.

79. "Eighth Report on State Responsibility," *YILC* (1979) vol. II, Part One, pp. 43-44, Paras 91-93.

80. Jeremy Matam Farrall, *The United Nations Sanctions and the Rule of Law* (Cambridge: Cambridge University Press, 2007), 81.

81. "Eighth Report on State Responsibility," *YILC* II, 1, p. 47, Para 100.

از اقدامات تلافی‌جویانه ضعیف‌تر قلمداد می‌نماید.<sup>۸۲</sup> بدین‌جهت است که اقدامات فراقطعنامه‌ای دولت‌های غربی در قالب اقدامات متقابل معرفی و توجیه می‌شود. تفاوت میان انواع اقدامات موقتی توسط آرانجیو - روئیز، دیگر مخبر کمیسیون نیز موردبررسی قرار گرفته است. وی بر این باور بود باید حدود اقدامات متقابل و شرایط اساسی یا Sine Qua Non برای توسل به آن مشخص شود.<sup>۸۳</sup>

برای متمیم بحث لازم است تا به گزارش‌های علمای حقوق، چون ویلم ریفانگن و آرانجیو - روئیز، لختی تدقیق نمود. هدف مخبران ویژه از تفکیک میان انواع اقدامات متقابل، تلافی‌جویانه و تحریم‌ها، ترسیم و تحصیر اقدامات سایر دولت‌ها در قبال یک عمل متخلفانه در حقوق بین‌الملل است. گزارشگران مذکور اقدامات متقابل را در «تأسیس یک رابطه» موقت و قابل‌بازگشت به قصد بازگرداندن دولت متخلف به ایفای تعهدات خود قلمداد کرده‌اند. نگرانی‌های ریفانگن از نظام اقدامات موقتی، چه در تحریم‌های ملل متحد و چه در نظام اقدامات متقابل، قابل‌درک است؛ زیرا برای نظام‌مند نمودن اقدامات باید نهادی «ناظر بر اجرا» نه «ضامن اجرا» موضوعیت پیدا نماید.

### ۳- نظر علمای حقوق: چاره‌اندیشی برای نظام اقدامات موقت پس از قطعنامه‌ها

دولت‌ها در سیستم امنیت دسته‌جمعی موافقت می‌نمایند تا در پاسخ به نقض یا تهدید صلح به‌صورت دسته‌جمعی پاسخ دهند.<sup>۸۴</sup> پس از جنگ سرد، نوع پاسخ‌های امنیت دسته‌جمعی نیز متفاوت شده است، بنابراین مفهوم موسع از امنیت دسته‌جمعی به جهانیان ارائه شده است. در جنگ سرد امنیت دسته‌جمعی بیشتر مرتبط با حوزه حقوق بشر بوده است.<sup>۸۵</sup> در دوره نوین، با نظر به وجود رژیم‌های خاص متعدد، پنداره پلورالیسم به مفهوم دولت زبان‌دیده و اقدامات متقابل و دسته‌جمعی نسبت به نقض حقوق رژیم خاص نیز کشیده شده است.

82. Willem Riphagen, Sixth Report on the Content, Forms and Degrees of International Responsibility (part 2 of the Draft Articles); and "Implementation" (raise en oeuvre) of International Responsibility and the Settlement of Disputes (part 3 of the draft articles), 1985, vol. II, part one, A/CN.4/SER.A/1985/Add.1 (Part 1), p. 10, Art. 8, Para 1.

83. Gaetano Arangio-Ruiz, "Third Report on State Responsibility," (New York: International Law Commission, 1991), p. 17, para 51.

84. Adam Roberts and Dominic Zaum, *Selective Security: War and the United Nations Security Council since 1945* (New York: Routledge, 2008), 11.

85. Chester A. Crocker, Fen Osler Hampson and Pamela Aall, "Collective Conflict Management: a New Formula for Global Peace and Security Cooperation?," *International Affairs* 87 (2011): 178, Accessed April 17, 2017, doi: 10.1111/j.1468-2346.2011.00959.x, 42.



برخی معتقدند، مفهوم امنیت دسته‌جمعی، یک مفهوم موسعی است و می‌تواند ابعاد وسیعی را به خود اختصاص دهد، پیشگیری از تعارض، مدیریت بحران، حفظ صلح یا صلح‌سازی نیازمند نهادی است که وظایف محوله را به‌درستی انجام دهد.<sup>۸۶</sup> اگرچه مفهوم امنیت دسته‌جمعی علی‌الظاهر، یک مفهوم سیاسی است، اما زمانی که این مفهوم به مرحله اجرا گام می‌نهد، به یک مفهوم حقوقی میدل می‌گردد؛ زیرا اجرای آن نیازمند یک سری از هنجارها و آیین‌ها می‌باشد.<sup>۸۷</sup> قاضی هیگینز در مقام دفاع از این نوع سیستم اظهار داشته بود حقوق بین‌الملل یک نظام هنجاری را برای محافظت از ارزش‌های مشترک مانند امنیت فراهم می‌آورد.<sup>۸۸</sup> الزاماً تهدید یا نقض صلح متضمن نقض حقوق بین‌الملل نیست، درواقع نظام امنیت دسته‌جمعی ملل، مسئول واکنش به نقض‌های حقوق بین‌الملل نیست. این نظام به‌عنوان یک ابزار پیشگیرانه برای تضمین حفظ صلح به‌وجود آمده است.<sup>۸۹</sup> ممکن است در برخی موارد نقض صلح با نقض حقوق بین‌الملل برهم منطبق باشند و شورا با توجه به این هم‌پوشانی اقداماتی حقوقی (مانند عدم‌شناسایی) را تجویز نموده است.<sup>۹۰</sup> تجویزات شورا در قطعنامه‌های فصل هفتمی در قضیه برنامه هسته‌ای ایران رژیم خاصی را مورد مخاطب قرار داده بود. با توجه به ماده ۲۹ منشور ملل متحد، شورا می‌تواند نهادهای فرعی را تأسیس نماید، از جمله نهادهای فرعی و کارآمد، کمیته‌های تحریمی هستند.<sup>۹۱</sup>

اعمال تحریم‌ها، به‌عنوان اقدامات عمودی در قالب نظام امنیت دسته‌جمعی، از همان ابتدا، بر تصمیم یک نهاد صالح بین‌المللی و تحمیل این تعهد به کلیه دولت‌های عضو، استوار گشته بود.<sup>۹۲</sup> هانس کلسن اشعار داشته بود وظیفه شورای امنیت، اجرای حقوق و اعاده آن نیست، بلکه این نهاد موظف است تا در پرتو ماده ۳۹ منشور ملل متحد به حفظ صلح و اعاده صلح به وضعیت مورد مخاطب شورا بپردازد.<sup>۹۳</sup> با تکیه بر نظر این اندیشور، این اعاده صلح ممکن است، هیچ ارتباطی با یک وضعیت حقوقی نداشته باشد.<sup>۹۴</sup>

86. Alexander Orakhelashvili, *Collective Security* (Oxford: Oxford University Press, 2011), 15.

87. Gary Wilson, *The United Nations and Collective Security* (Amsterdam: Routledge, 2014), 11.

88. Rosalyn Higgins, *Problems and Processes: International Law and How We Use It* (Oxford: Clarendon Press, 1994), 1.

89. Bruno Simma, (Ed), *The Charter of the United Nations: A Commentary* (Oxford: Oxford University Press, 2012), 3rd Ed, p. 1278, para 10.

90. Vera Gowlland-Debbas, "Security Council Enforcement Action and Issues of State Responsibility." *The International and Comparative Law Quarterly* 43(1) (1994): 62.

91. Wilson, op.cit. 95.

92. Yearbook of the International Law Commission, 1979, vol. II (Part two), Document A/CN.4/SER.A/1979/Add.1 (Part 2), p. 121, para 22.

93. Hans Kelsen, *The Law of the United Nations; A Critical Analysis of Its Fundamental Problems* (New York: Frederick A. Praeger, Inc. 1950), 294.

94. Ibid, 294.

آنچه که به منشور ملل متحد وجه رژیم خاص می‌دهد، زمینه قانونی موجود در مفاد مواد ۴۱ و ۴۲ منشور است که به شورا این اختیار را می‌دهد تا با اقداماتی قهری از دولت‌های ثالث بخواهد آنها را اجرا نمایند.<sup>۹۵</sup>

باتوجه به نظرات علمای حقوق، آنچه که در منطوق منشور صراحتاً بدان اشاره شده است، یک رژیم حقوقی خاص مبتنی بر ماده ۳۹ منشور برای اعاده صلح به وضعیت مورد مخاطب شورا می‌باشد. در هیچ مقررۀ منشور، اهلیت و صلاحیتی به شورا داده نشده است تا نوع حقوق و نوع تعهدات تحمیلی را بر دولت‌ها تعیین نماید.<sup>۹۶</sup> منشور ملل متحد، تلویحاً به شورا اختیارات وسیعی را در شناسایی کیفیت نقض منشور (تهدید علیه صلح، نقض صلح و جنایت تجاوز) بخشیده است. کیفیت نقض توسط دولت متخلف، کیفیت واکنش شورا را نیز در پی خواهد داشت و بنابراین شورا باتوجه به نوع نقض و عدم پایبندی به منشور، به توصیه، اقدامات قهری و تحریمی و یا حتی نظامی مبادرت می‌ورزد.<sup>۹۷</sup>

ملاحظه می‌شود در رژیم حقوقی ملل متحد، عدم تعیین نوع تعهدات توسط شورا از یک سو و تشخیص کیفیت نقض توسط شورا از سوی دیگر، اجرای تعهدات عمودی منشور (تحریم‌های شورا) را با تنگنای بزرگی مواجه ساخته است. در صورتی که شورا نتواند کیفیت نقض و به تبع آن، کیفیت واکنش نظام امنیت دسته‌جمعی (نوع تحریم‌های اعمالی) را به طور دقیق مشخص نماید، دولت‌ها با ابتناء بر نظام اقدامات افقی اقدامات یک‌جانبه‌ای را اتخاذ خواهند نمود که منجر به «تأسیس یک رابطه» حقوقی موقت و نه لزوماً قابل بازگشت برای حصول تغییر در رفتار دولت هدف خواهد شد. هبوطی این‌چنینی از یک رابطه سامان‌مند حقوقی به یک رابطه نابسامان سیاسی برای تعیین بخشی به مفهوم «تضمین اجرا»، هر چند امری غیرقانونی نباشد، ولی متیقناً غیرحقوقی است. به عبارت بهتر گرچه ساخت ویژه حقوق بین‌الملل اجازه پراکنش تکثرگرایی و پلورالیسم به همه تأسیسات آن مانند قواعد اولیه مستتر در قانونگذاری‌های بین‌المللی و قواعد ثانویه مبتنی بر اجرای قواعد اولیه را داده است، ولی قطعنامه‌های شورا تظاهری از اراده‌های موجد دولت‌ها در تأسیس رژیم حقوقی منشور می‌باشد و وارهبیدن مفهوم «ضمانت بخشی» آن به برخی دولت‌های خاص و قدرتمند نه تنها

95. Simma, (Ed), op.cit. p. 1301, para 9.

96. Gaetano Arangio-Ruiz, "On the Security Council's "Law Making",", op.cit. 632.

97. Crawford, Pellet and Olleson, (Eds), Parlett, (As), op.cit. 127.

جزء ساخت ویژه حقوق بین الملل نیست، بلکه روی دیگر نظم بین المللی مشتت و پراشیده آن است.

چندین نکته به لحاظ نظری در رژیم حقوقی منشور لازم به تشریح<sup>۹۸</sup> است: اقدامات شورا نوعی از اقدامات احتیاطی هستند که با سرشت‌نمایی و خصوصیت‌بخشی<sup>۹۹</sup> مبتنی بر مفهوم پیشینی<sup>۱۰۰</sup> تعیین پیدا کرده‌اند و در پاسخ به عملی هستند که نقض حقوق بین الملل (نقض منشور و ایجاد تهدید علیه صلح و امنیت بین الملل) به‌شمار آمده است.<sup>۱۰۱</sup> لازم به اشاره است، مفهوم پیشینی یک مفهوم غیرتجربی است که نیازی ندارد شورا برای هر نوع از اقدامات در زمره مفهوم پیشینی آن (تحریم‌های ملل متحد)، استدلال و استنتاج حقوقی برای نظام تحریمی ارائه نماید، زیرا مفهوم پیشینی دارای سیر منطقی در ایجاد، اعمال و اجرای قطعنامه‌ها می‌باشد. همان‌گونه که آرانجیو - روئیز بدان پرداخته است، در تحریم‌های امنیت دسته‌جمعی نوعی از اقدامات احتیاطی و تضمینی مستتر است. زمانی که چنین اقداماتی به مرحله اجرا می‌رسند، باید واجد دو خصیصه پیشینی و احتیاطی مورد تأیید شورا باشند، نه اینکه دولت‌ها به‌صورت یک‌جانبه لایه دیگری از اقدامات تضمینی برای اجرای قطعنامه‌های شورا را تجویز نمایند.

علمای حقوق بر این پندار اتفاق نظر دارند، امنیت دسته‌جمعی در حقوق ملل متحد به نصابی از موفقیت در قیاس با سلف خود، میثاق جامعه ملل، در برخی از حوزه‌های مطرح در حقوق بین الملل رسیده است. برای نمونه متمرکزسازی در حوزه توسل به زور در منشور گواه این کامیابی است.<sup>۱۰۲</sup> اگرچه نمی‌توان مفهوم Pax Romana را به‌طور کامل در حقوق بین الملل اعمال نمود<sup>۱۰۳</sup>، ولی با خوانشی تقلیل‌گرایانه، مفهوم مذکور قابل اعمال در حوزه اقدامات عمودی ملل متحد است. از این رو دولت‌ها تعیین‌کننده میزان اعمال قطعنامه‌های شورا نمی‌باشند و خود شورا به تضمین اجرای قطعنامه‌های تحریمی ملل متحد تعیین می‌بخشد. رژیم حقوقی تحریم‌ها که توسط شورا تحمیل می‌شود، در نظم حقوقی داخلی کشورها، یک نظام جدا افتاده و منزوی به‌شمار نمی‌رود. در واقع این تعهدات جزئی از نظم حقوقی داخلی

98. Mise Au Point

99. Characterization

100. A Priori

101. Arangio-Ruiz, "On the Security Council's "Law Making"," op.cit. 633.

102. Ibid, 692.

103. Hans Kelsen, *Peace through Law* (Cambridge: Van Rees Press, 1944), 6.

دولت‌هاست نه اینکه به‌عنوان یک نظام فراملی باشد که یک سیستم جداگانه را تشکیل دهد.<sup>۱۰۴</sup>

نگرش افرادی چون کلسن به نظام اقدامات عمودی شورای امنیت در وادی نظر، توسط مخبر کمیسیون، ویلم ریفانگن در گذرگاه عمل بازتابیده است. البته هرکدام از اندیشوران مزبور نگرش ویژه‌ای به تحریم‌ها و اقدامات متقابل دارند. ریفانگن قائل به تسری مفهوم سلسله‌مراتب به نظام اقدامات متقابل و موقتی پس از یک عمل متخلفانه بود و کلسن به تمرکزگرایی در نظام ملل متحد و ایجاد یک مدینه کبیر<sup>۱۰۵</sup> در نظام اقدامات متقابل و سلسله‌مراتبی با دولت جهانی<sup>۱۰۶</sup> باور داشت. با توجه به تشدید در اعمال و اجرای قطعنامه‌های شورای امنیت و نظام اقدامات متقابل و تحریم‌ها، می‌توان کارکرد تمرکزگرایی سلسله‌مراتبی برای اقدامات شورا قائل شد.

در وضعیت‌هایی که میان تهدید علیه صلح و امنیت بین‌الملل با نقض حقوق بین‌الملل هم‌پوشانی وجود دارد، بدون خاتمه دادن به نقض، صلح و امنیت بین‌المللی بازگردانده نمی‌شود.<sup>۱۰۷</sup> همان‌گونه که در قطعنامه‌های پیشین ذکر آن رفت، شورا برای نقض‌های مختلف نظام اقدامات موقتی ویژه‌ای را اتخاذ کرده است.<sup>۱۰۸</sup> صلاحیت شورا با نظر به ماهیت سیاسی آن قابل تسری به نظام اقدامات موقتی رژیم خاصی چون منع اشاعه نیز می‌باشد؛ زیرا خود شورا بایستی تهدید صلح را پایش نماید. دولت‌ها نمی‌توانند با اقدامات فراتر از قطعنامه‌های شورا، اجرای آنها را تضمین نمایند.

استفاده از حقوق بین‌الملل خاص و حقوق بین‌الملل عام، برای رفع تعارض در حقوق توسط دیوان کنونی<sup>۱۰۹</sup>، دیوان بین‌الملل دائمی دادگستری<sup>۱۱۰</sup> و سایر آرای دیوان‌ها<sup>۱۱۱</sup> به‌کار بسته شده است.

104. Hans Kelsen, *Pure Theory of Law*, translator Max Knight (Cambridge: The Lawbook Exchanged LTD, 2008), Fifth Ed, 336.

105. *Civitas Maxima*

106. *World State*

107. Crawford, Pellet and Olleson, (Eds), Parlett, (As), op.cit. 131.

108. UN SC Res. 387, para 4; UN SC Res. 527, para 2.

109. Right of Passage over Indian Territory (Portugal v. India), Merits, *I.C.J. Reports* 1960, p. 43; North Sea Continental Shelf (Federal Republic of Germany/ Denmark; Federal Republic of Germany/ Netherlands), *I. C. J. Reports* 1969, p. 21; Continental Shelf (Tunisia/ Libyan Arab Jamahiriya), *I. C. J. Reports* 1982, para 24; Military and Paramilitary Activities in and against Nicaragua (Nicaragua v. United States of America), Merits, Judgment, *I.C.J. Reports* 1986, para 274; Legality of the Threat or Use of Nuclear Weapons, Advisory Opinion, *I. C. J. Reports* 1996, para 25; Gabčíkovo-Nagymaros Project (Hungary/ Slovakia), para 132; Legal Consequences of the Construction of a Wall in the Occupied Palestinian Territory, Advisory Opinion, *I. C. J. Reports* 2004, para 106; Armed Activities on the Territory of the Congo (Democratic Republic of the

دیوان اروپایی حقوق بشر در قضیه بلیوس، با رد حق شرط دولت سوئیس به کنوانسیون حقوق بشر اشعار داشت نمی‌توان نظام عام حق شرط را بر کنوانسیون خاص حقوق بشر اروپایی اعمال نمود.<sup>۱۱۲</sup> تعارض رژیم‌های خاص در حقوق تجاری و حقوق بین‌الملل محیط‌زیست نیز مورد توجه واقع شده است. شعبه استیناف سازمان جهانی تجارت، با اشاره به اصل احتیاط در حقوق بین‌الملل محیط‌زیست و ماهیت این تعهد در حقوق بین‌الملل عرفی، اظهار داشت که تعهد مزبور نباید زمینه‌ای برای دولت‌های عضو فراهم آورد که مغایر با تعهدات دولت‌ها در رژیم حقوق تجاری سازمان تجاری باشد. در واقع این شعبه با مفروض دانستن اصل احتیاط به‌عنوان حقوق بین‌الملل عام، رژیم حقوق تجاری را ناسخ این اصل حقوق قلمداد نمود.<sup>۱۱۳</sup>

پیش‌نویس ۲۰۰۱ به قاعده خاص پرداخته است، از نظر کمیسیون، اینکه قاعده خاص تا چه میزان می‌تواند ناسخ قواعد عام‌تر مواد پیش‌نویس ۲۰۰۱ باشد، بسته به قاعده خاص است.<sup>۱۱۴</sup>

با ابتناء بر رویه‌های قضایی پیشین، برنامه هسته‌ای ایران و قطعنامه‌های مرتبط، از یک سو رژیم خاصی چون عدم اشاعه وجود دارد و از سوی دیگر نظام خاص منشور ملل متحد در مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها درگیر این پرونده بود. تعدد و به تبع آن تشتت در رژیم‌های خاص به حوزه اقدامات پسینی و موقتی نیز تسری پیدا می‌کند، به مانند قضیه هورمونز که در شعبه استیناف سازمان جهانی تجارت مورد رسیدگی قرار گرفت و در آن تعارض میان حقوق تجاری و حقوق بین‌الملل محیط‌زیست وجود داشت.<sup>۱۱۵</sup> تعارض در رژیم‌های خاص مشمول

Congo v. Uganda), Judgment, *I.C.J. Reports* 2005, para 216; Dispute regarding Navigational and Related Rights (Costa Rica v. Nicaragua), judgment, *I.C.J. Reports* 2009, para 233.

110. Mavrommatis Palestine Concessions (Greece v. United Kingdom), *P.C.I.J. Series B*, No. 3, 30 August 1924, 31.

111. Turkey - Restrictions on Imports of Textile and Clothing Products, WT/DS34/R, 31 May 1999, para 24; Prosecutor v. Kupreškić et al. (Trial Judgment), IT-95-16-T, *International Criminal Tribunal for the former Yugoslavia (ICTY)*, 14 January 2000, para 683; Case 68/86, United Kingdom of Great Britain and Northern Ireland v Council of the European Communities, [1988] ECR: 855; Southern Bluefin Tuna (Australia-Japan; New Zealand-Japan), Award on Jurisdiction and Admissibility of 4 August 2000; *Reports of International Arbitral Awards (RIAA)*, vol. XXIII, para 52.

112. Belilos v. Switzerland, Judgment of 29 April 1988, *ECHR Series A* (1988) No. 132, p. 28, para 60.

113. *European Communities - Measures Concerning Meat and Meat Products (Hormones)* 13 February 1998, WT/DS26/AB/R, WT/DS48/AB/R, paras 124-125.

114. *International Law Commission*, Draft Articles on Responsibility of States for Internationally Wrongful Acts with Commentaries, November 2001, Supplement No. 10 (A/56/10), chp.IV.E.1, p. 140, para. 3.

115. *European Communities - Measures Concerning Meat and Meat Products (Hormones)* 13 February 1998, WT/DS26/AB/R, WT/DS48/AB/R, para 123.

قطعنامه‌های شورا نمی‌گردد، زیرا ماده ۱۰۳ منشور، بنیان مرصوص حل تعارض اقدامات متخذه در ملل متحد با رژیم عدم‌اشاعه است. بدین سبب چنانچه تعارض در اقدامات متقابل و دولت زیان‌دیده وجود دارد، نظام اقدامات دسته‌جمعی ملل متحد تفوق و برتری نسبت به مفهوم دولت زیان‌دیده در آن‌پی‌تی خواهد داشت. اقدامات دسته‌جمعی ملل متحد، دالی هستند که نیازمند مدلول خود (نه دولت‌ها، بلکه شورای امنیت ملل متحد) می‌باشند؛ بنابراین هر نوع از تضمین اجرایی که به این اقدامات داده می‌شود، باید از سوی ملل متحد تعیین شود.

در برنامه هسته‌ای ایران کمیته ۱۷۳۷ برای نظارت بر اجرای قطعنامه مذکور، نقشی کلیدی و مهمی را ایفاء می‌نمود.<sup>۱۱۶</sup> پیرو مباحثات مطروحه در شورای امنیت، کمیته‌های تحریمی ملل متحد، سازکار اصولی هستند که به دولت‌ها در زمینه اجرا و نظارت بر اجرای قطعنامه‌ها، یاری می‌دهند.<sup>۱۱۷</sup> اطلاعیه راهنمای اجرای کمیته ۱۷۳۷<sup>۱۱۸</sup> اظهار می‌دارد که سازکار موجود در ملل متحد و در رأس آن کمیته شورای امنیت، مسئولیت اجرا و نظارت بر اجرای قطعنامه‌های شورا در قبال ایران را دارد. در صورت عدم‌پایبندی دولت‌ها به قطعنامه‌های موجود، خود شورا اقدامات مقتضی را اتخاذ خواهد نمود.<sup>۱۱۹</sup> با توجه به اظهارات موجود در شورای امنیت، دولت‌ها تعهد دارند تا قطعنامه‌ها را به صورت کامل و به بهترین شکل ممکن به اجرا دریاورند، هرچند دولت‌ها باید مراقب باشند تا به صورت خودسرانه اقدامات یک‌جانبه‌ای را بر دولت تحت تحریم تحمیل ننمایند.<sup>۱۲۰</sup>

آرانجیو - روئیز، مخبر کمیسیون، نگرش جالب توجهی به نظام اقدامات پسینی و متقابل دارد. به نظر وی برای پیشگیری از سوءاستفاده اقدامات متقابل، باید یک رکن وجود داشته باشد تا بر اقدامات متقابل نظارت کند. از نظر وی دو شرط شکلی برای توسل به اقدامات متقابل موردنیاز است:<sup>۱۲۱</sup> شرط اول شرط پیش‌نگرانه<sup>۱۲۲</sup> و شرط دوم شرط تحقق‌یافته، موجود<sup>۱۲۳</sup> است؛ بنابراین متعاقب شرط پیشینی، چنانچه در حقوق بین‌الملل عام و منشور ملل متحد، شیوه و طرق مناسبی برای فیصله دادن به وضعیت ناشی از نقض قاعده حقوقی وجود

116. *UNSC Verbatim Record*, (15 September 2010), UN Doc S/PV.6384, p. 3.

117. *Ibid.*

118. Implementation Assistance Notice of the 1737 Committee.

119. *UNSC Verbatim Record*, (4 March 2010), UN Doc S/PV.6280, p. 2.

120. *UNSC Verbatim Record*, (15 September 2010), UN Doc S/PV.6384, p. 4.

121. James Crawford, Alain Pellet and Simon Olleson, (Eds), Kate Parlett, (As), *op.cit.* 1150.

122. *Ex Ante*

123. *Ex Post*

داشته باشد، بنابراین توسل به اقدامات متقابل اسقاط می‌گردد.<sup>۱۲۴</sup> در پرونده هسته‌ای ایران تحقق شرط پیشینی واضح و مبرهن است. ایران علاوه بر آنکه با دولت‌های ۱+۵ مذاکره می‌کرد، شورای امنیت به‌عنوان نماینده رژیم منشور نیز به وضعیت ایران رسیدگی می‌کرد؛ بنابراین اعراض از توسل به اقدامات متقابل در رژیم منشور وجود داشت و دولت‌ها باید به ساده‌ترین شکل ممکن این قطعنامه‌ها را به اجرا درمی‌آوردند.

باتوجه به اقدامات متقابل در مفهوم دولت زیان‌دیده در حقوق عدم اشاعه و ورود شورای امنیت به وضعیت عدم پابندی به رژیم عدم اشاعه، از نظر آرانجیو - روئیز و لوترپاخت، ناشی از نگرش تلسکوپ<sup>۱۲۵</sup> شورا به وضعیت‌های مورد مخاطب می‌باشد.<sup>۱۲۶</sup> نگرش تلسکوپ نسبت به تعهدات دولت‌ها از یک سو و تعهدات منشوری از سوی دیگر در قرار تأمینی مربوط به قضیه لاکربی از سوی دیوان تأیید گشته است و بنابراین تعهدات منشوری، در حین تعارض با سایر تعهدات توافقنامه‌ای، رجحان و برتری دارد.<sup>۱۲۷</sup> کمیسیون دیدگاه بسیار مضیقی نسبت به اقدامات متقابلی دارد که به صورت دسته‌جمعی علیه یک دولت متخلف اتخاذ می‌شوند. از نظر کمیسیون «این اقدامات باید متضمن اقدامات قانونی [محصور] در حقوق بین‌الملل باشند.» واژه «متضمن» عامداً گزینش شده بود تا میزان و کیفیت این اقدامات کاملاً محاط و محدود در حقوق بین‌الملل باشد.<sup>۱۲۸</sup> از این رو نگرش تلسکوپ شورا در رژیم حقوقی ملل متحد ناظر بر اقدامات خارج از صلاحیتی شورا نیست. این نگرش محاط در منشور است و دیدگاه بازگرداندن صلح به هر وضعیتی<sup>۱۲۹</sup> می‌باشد.<sup>۱۳۰</sup>

نظریه پردازان و اندیشوران حقوق ملل متحد، به مانند هانس کلسن و آرانجو - روئیز اشعار داشته‌اند، شورای امنیت مختار است تا هر وضعیتی را که صلاح می‌داند، تهدید یا نقض صلح به‌شمار آورد. اگرچه تهدید صلح الزاماً به معنای نقض حقوق بین‌الملل نخواهد بود. شورا با

124. *Yearbook of the International Law Commission*, 1992, vol. II, Part 1, document A/CN.4/SER.A/1992/Add.1 (Part 1), p. 22, Para 52.

125. *Télescope*

126. Gaetano Arangio-Ruiz, op.cit. 637.

127. Questions of Interpretation and Application of the 1971 Montreal Convention Arising from the Aerial Incident at Lockerbie (Libyan Arab Jamahiriya v. United Kingdom), Provisional Measures, Order of 14 April 1992, *I. C.J. Reports* 1992, para 39; Questions of Interpretation and Application of the 1971 Montreal Convention Arising from the Aerial Incident at Lockerbie (Libyan Arab Jamahiriya v. United States of America), Provisional Measures, Order of 14 April 1992, *I. C.J. Reports* 1992, para 42.

128. *Yearbook of the International Law Commission*, 1979, vol. II (Part two), Document A/CN.4/SER.A/1979/Add.1 (Part 2), p. 121, para 22.

۱۲۹. تهدید صلح یا نقض حقوق بین‌الملل که تهدید علیه صلح قلمداد شده است.

130. Arangio-Ruiz, op.cit. 640.

ابتناء بر تهدید و ترتیب دادن اقدامات عمودی (در قالب تحریم‌ها) می‌تواند حقوق جدیدی را وضع نماید. در صورت عدم‌پایبندی به اقدامات ملل متحد و نظام امنیت دسته‌جمعی، خود شورا مسئول پاسخ به عدم‌پایبندی می‌باشد.<sup>۱۳۱</sup> پیش از آن نیز کلسن، در زمینه متمرکزسازی اقدامات مجازاتی افراد زیان‌دیده در یک نهاد قلم‌فرسایی کرده بود. در صورت وقوع چنین امری جامعه حقوقی مبدل به دولت می‌گردد. اعمال این نظر و ساختن یک دولت جهانی از طریق یک سازمان، در صحنه بین‌المللی غیرممکن به نظر می‌رسد.<sup>۱۳۲</sup> در واقع استیلای چنین حجتی از ایدئالیسم بر حقوق ملل متحد در بادی الامر نامقدور است؛ اما با ابتدای بر نظرات مطرح‌شده در شورای امنیت توسط نمایندگان دولت‌ها<sup>۱۳۳</sup> و محدودرات و مقدورات موجود در رژیم حقوقی منشور می‌توان این پنداره را بر تحریم‌های شورای امنیت متصور شد. پس از تصویب قطعنامه‌های تحریمی، شورا قطعنامه‌های مزبور را به لحاظ میزان اجرا پیگیری کرده است. برای نمونه شورا در قطعنامه ۶۷۰، ۷۸۷ و ۸۴۱ خود، اقداماتی را در نقض قطعنامه پیشین، در وضعیت مورد مخاطب صراحتاً مشخص کرده است<sup>۱۳۴</sup>؛ یا در قطعنامه ۱۹۷۰ علیه لیبی، علاوه بر وضع تحریم‌های تسلیحاتی و مالی، کمیته‌ای را برای نظارت بر اجرای تحریم‌ها تأسیس نموده است.<sup>۱۳۵</sup>

## نتیجه

برخی دولت‌ها، مانند اتحادیه اروپا، اقدامات فراقطعنامه‌ای خود علیه ایران را در چهارچوب اقدامات متقابل توجیه می‌نمودند، ولی این اقدامات در پاسخ به کدامین نقض قاعده حقوق بین‌الملل است؟ ایران در تمام موارد به تعهدات ان‌پی‌تی و عدم‌اشاعه‌ای خود پایبندی داشته است؛ اگرچه آژانس معتقد بود ایران نسبت به پادمان قصور داشت. حتی اگر استدلال آژانس مبنی بر قصور ایران در اجرای پادمان مورد قبول واقع گردد، قصور به پادمان به معنای عدم‌پایبندی و نقض معاهده ان‌پی‌تی نیست. دولت‌هایی مانند مصر، کره جنوبی و ژاپن قصورات بسیار بزرگ‌تری نسبت به پادمان داشتند. برای نمونه ژاپن در گزارش دهی ۲۷۰

131. Kelsen, *The Law of the United Nations; a Critical Analysis of Its Fundamental Problems*, op.cit. 736-738.

132. Kelsen, *Peace through Law*, op.cit. 4.

133. *United Nations Security Council Verbatim Report* 4644, S/PV/4644, Mr. Ryan (Ireland), 7.

134. UN SC Res. 670, Para 8; UN SC Res. 787, Para 9; UN SC Res. Para 10 (c), (e).

135. *UN Security Council, Security Council Resolution 1970 (2011)* [on Establishment of a Security Council Committee to Monitor Implementation of the Arms Embargo against the Libyan Arab Jamahirriya], 26 February 2011, S/RES/1970 (2011), paras 9-20.



کیلوگرم از پلوتونیوم خود قصور داشت و کره جنوبی به ساخت بمب هسته‌ای آزمایشگاهی دست یازیده بود. برخورد دوگانه، گزینشی و تبعیض‌آمیز در پرونده ایران مشهود بود. آنچه که در پرونده هسته‌ای ایران مباحثه‌برانگیز است، وارheidن کامل اجرای قطعنامه‌ها به دولت‌ها می‌باشد. شورای امنیت از ۲۰۰۶ به پرونده هسته‌ای ایران ورود کرد و اتخاذ اقدامات مازاد، متفاوت و بدون تجویز شورای امنیت نه با حقوق عدم اشاعه به صورت خاص و نه با حقوق بین‌الملل به صورت عام هم‌خوانی نداشته و در برخی موارد متعارض و متناقض با یکدیگر هستند. استدلال‌ات حقوقی طرفین غربی، چنان تارهای عنکبوتی ساخته شده که تنها فقط ایشان را مجال و توان گذر وجود دارد؛ بنابراین اگر اجرای قطعنامه‌های شورای امنیت مانند پرونده هسته‌ای ایران که هیچ نقضی از قواعد ماهیتاً امری حقوق بین‌الملل در آن مستتر نیست، محاط در تشخیص گروهی از دولت‌ها و تنها به بهانه تغییر دولت هدف باشد، بنیان‌های مرصوص منشور ملل متحد رو به ضعف و سستی خواهد نمود. اجرای قطعنامه‌ها باید تحصیر در حصار تجویزات خاص و شفاف شورا، با راهبانی و رهنمونی کمیته تحریم‌های ملل متحد باشد.

برخی از تحلیل‌گران حقوقی غربی و در رأس آن، معاون سابق حقوقی آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، لورا راکوود<sup>۱۳۶</sup> و همچنین یوکیا آمانو، چنان جایگاه رفیع حقوقی به شورا بخشیده‌اند که از نظر آنان این نهاد ظل ظلیل خود را بر مفارق نظم و امنیت بین‌المللی انداخته و دولت‌ها تحت آن مشغول آسایش‌گزینی هستند. حقوق بین‌الملل در نهایت امر، تحت انقیاد دولت‌ها بوده و خواهند بود. نه شورا چنان جایگاهی دارد و نه گروهی از دولت‌ها. حقوق بین‌الملل حقوق همه دولت‌هاست. در تحلیل حقوقی قطعنامه‌ها باید حد میانه شورای امنیت و دولت‌ها را برگزید. اگر شورا به پرونده‌ای ورود پیدا می‌کند، یک رابطه حقوقی جدید با دولت متخلف و سایر اعضای ملل متحد تأسیس می‌نماید. در واقع پس از ورود به یک پرونده، شورا تکفل اقدامات بعدی را به کف کفایت دیگر دولت‌ها محول و مرجوع نمی‌نماید، هرچند خود شورا و همین حقوق زائیده اراده و خواست قبلی دولت‌ها باشد.

## فهرست منابع

## الف) منابع فارسی

جاوید، احسان. «مشروعیت اعمال تحریم‌های اقتصادی یک‌جانبه در حقوق بین‌الملل؛ ضامن اجرای حقوق بین‌الملل یا ابزار سیاست ملی؟». *مجله تحقیقات حقوق خصوصی و کیفی* ۲۲ (۱۳۹۳): ۱۰۵-۱۴۸.

سیفی، سید جمال و علیرضا ابراهیم‌گل. «تأثیر اقدامات متقابل در اجرای مسئولیت بین‌المللی دولت با تأکید بر مسئولیت ناشی از منافع جمعی». *مجله تحقیقات حقوقی* ۶ (۵۳) (۱۳۹۰): ۱۸۹-۱۳۷.

## ب) منابع انگلیسی

A. Crocker, Chester, Fen Osler Hampson and Pamela Aall. "Collective Conflict Management: A New Formula for Global Peace and Security Cooperation?." *International Affairs* 87 (2011): 184-217. Last Accessed April 17, 2017, doi: 10.1111/j.1468-2346.2011.00959.x.

Agency for the Prohibition of Nuclear Weapons in Latin America and the Caribbean, General Assembly Resolution 3472 (XXX), Comprehensive study of the Question of Nuclear-Weapon-Free Zones in All Its Aspects, (11 December 1975).

Ago, Roberto. "Eighth Report on State Responsibility, the Internationally Wrongful Act of the State, Source of International Responsibility (part 1)." New York: International Law Commission, 1980.

Ago, Roberto. "Fifth Report on State Responsibility, The Internationally Wrongful Act of the State, Source of International Responsibility (part 1)." New York: International Law Commission, 1980.

Arangio-Ruiz, Gaetano. "On the Security Council's "Law Making"." *Rivista Di Diritto Internazionale* LXXXIII (3) (2000): 632.

Arangio-Ruiz, Gaetano. "Third Report on State Responsibility." New York: International Law Commission, 1991.

Arbitral Award of 9 December 1978 in the Case Concerning the Air Service Agreement of 27 March 1946 between the United States of America and France, United Nations, Reports of International Arbitral Awards (RIAA), Vol. XVIII.

Armed Activities on the Territory of the Congo (Democratic Republic of the Congo v. Uganda), Judgment, I.C.J. Reports 2005.

Arrest Warrant of 11 April 2000 (Democratic Republic of the Congo v. Belgium), Judgment, I.C.J. Reports 2002.

Belilos v. Switzerland, Judgment of 29 April 1988, ECHR Series A (1988) No. 132.

Case 68/86, United Kingdom of Great Britain and Northern Ireland v Council of the European Communities, [1988] ECR: 855.

Commentaries on the Draft Articles on the Responsibility of International Organizations, in 2011 ILC Yearbook II(2).

Comments and observations Received from Governments, A/CN.4/515 and Add.1-3, 2001, See Comments of Japan.

Comments and Observations Received from Governments, A/CN.4/515 and Add.1-3, 2001, See Comments of Netherlands.

Continental Shelf (Tunisia/Li byan Arab Jamahiriya), I. C.J. Reports 1982.

Crawford, James, Alain Pellet and Simon Olleson, (Eds), Kate Parlett, (As). *The Law of International Responsibility*. Cambridge: Oxford University Press, 2010.

Crawford, James. "Fourth Report on State Responsibility." New York: International Law Commission, 2001.

Crawford, James. Third Report on State Responsibility, A/CN.4/507 and Add.1-4; 15 March, 15 June, 10 and 18 July and 4 August 2000.

Dispute Regarding Navigational and Related Rights (Costa Rica v. Nicaragua), Judgment, I.C.J. Reports 2009.

Draft Articles on Responsibility of States for Internationally Wrongful Acts with Commentaries.

Dupont, Pierre-Emmanuel. "Countermeasures and Collective Security: The Case of the EU Sanctions against Iran." *Journal of Conflict and Security Law* 17 (June 18, 2012): 224-257.

E. Proukaki, Katselli. *The Problem of Enforcement in International Law: Countermeasures, the Non-Injured State and the Idea of International Community*. Amsterdam: Routledge, 2010.

European Communities - Measures Concerning Meat and Meat Products (Hormones) 13 February 1998, WT/DS26/AB/R, WT/DS48/AB/R.

Factory at Chorzów, Jurisdiction, Judgment, 1927, No 9, P.C.I.J., Series A.

Farrall, Jeremy Matam. *The United Nations Sanctions and the Rule of Law*. Cambridge: Cambridge University Press, 2007.

Fisheries Jurisdiction (United Kingdom of Great Britain and Northern Ireland v. Iceland), Merits, I.C.J. Reports, 1974.

Fitzmaurice, Gerald. Third Report on the Law of Treaties, [18 March 1958], United Nations International Law Commission, A/CN.4/115, March 1958.

Foreign Affairs Committee, Global Security: Iran, Fifth Report, together with Formal Minutes, Oral and Written Evidence, HC 142 2007-08, 02 Mar 2008.

Gabčíkovo-Nagymaros Project (Hungary/Slovakia), Judgment, I. C. J. Reports 1997.

Gowlland-Debbas, Vera. "Security Council Enforcement Action and Issues of State Responsibility." *The International and Comparative Law Quarterly* 43(1) (1994): 236-258.

H. Joyner, Daniel, and Marco Roscini, (Eds). *Non-Proliferation Law as a Special Regime: A Contribution to Fragmentation Theory in International Law*. Cambridge: Cambridge University Press, 2012.

H. Joyner, Daniel. *Iran's Nuclear Program and International Law: From Confrontation to Accord*. Oxford: Oxford University Press, 2016.

Higgins, Rosalyn. *Problems and Processes: International Law and How We Use It*. Oxford: Oxford: Clarendon Press, 1995.

Implementation Assistance Notice of the 1737 Committee.

International Law Commission, Draft Articles on Responsibility of States for Internationally Wrongful Acts with Commentaries, November 2001, Supplement No. 10 (A/56/10), chp.IV.E.1, commentary of Art. 42, p. 119, Para 14

Interpretation of the Agreement of 25 March 1951 between the WHO and Egypt, Advisory Opinion, I. C. J. Reports, 1980.

Iran's Nuclear Program: Tehran's Compliance with International Obligations, Congressional Research Service, 11, Apr. 28, 2014.

Joyner, Daniel H., and Marco Roscini, (Eds). *Non-Proliferation Law as a Special Regime: A Contribution to Fragmentation Theory in International Law*. New Jersey: the Lawbook Exchange Publisher, 2008.

Kelsen, Hans. *Peace through Law*. Cambridge: Van Rees Press, 1944.

Kelsen, Hans. *Pure Theory of Law*. Fifth Ed. Translator Max Knight. Cambridge: The Lawbook Exchanged LTD, 2008.

Kelsen, Hans. *The Law of the United Nations; a Critical Analysis of Its Fundamental Problems*. New York: Frederick A. Praeger, Inc., 1950.

Legal Consequences of the Construction of a Wall in the Occupied Palestinian Territory, Advisory Opinion, I. C. J. Reports 2004.

Legality of the Threat or Use of Nuclear Weapons, Advisory Opinion, I. C.J. Reports 1996.

Mavrommatis Palestine Concessions (Greece v. United Kingdom), P.C.I.J. Series B, No. 3, 30 August 1924.

Military and Paramilitary Activities in and against Nicaragua (Nicaragua v. United States of America), Merits, Judgment, I.C.J. Reports 1986.

North Sea Continental Shelf (Federal Republic of Germany/ Denmark; Federal Republic of Germany/ Netherlands), I. C. J. Reports 1969.

Orakhelashvili, Alexander. *Collective Security*. Oxford: Oxford University Press, 2011.

Prosecutor v. Kupreškić et al. (Trial Judgment), IT-95-16-T, International Criminal Tribunal for the former Yugoslavia (ICTY), 14 January 2000.

Proukaki, Katselli E. *The Problem of Enforcement in International Law: Countermeasures, The Non-Injured State and the Idea of International Community*. New York: Routledge, 2010.

Questions of Interpretation and Application of the 1971 Montreal Convention arising from the Aerial Incident at Lockerbie (Libyan Arab Jamahiriya v. United Kingdom), Provisional Measures, Order of 14 April 1992, I. C.J. Reports 1992.

Questions of Interpretation and Application of the 1971 Montreal Convention arising from the Aerial Incident at Lockerbie (Libyan Arab Jamahiriya v. United States of America), Provisional Measures, Order of 14 April 1992, I. C.J. Reports 1992.

Responsibility of Germany for Acts Committed Subsequent to 31 July 1914 and before Portugal Entered into the War ("Cysne") (Portugal v Germany), 30 June 1930, 2 Reports of International Arbitral Awards (R.I.A.A.).

Responsibility of Germany for Damage Caused in the Portuguese Colonies in South Africa (Naulilaa) (Merit), (Portugal v. Germany), 31 July 1928, Reports of international Arbitral Awards 2 (R.I.A.A.).

Right of Passage over Indian Territory (Portugal v. India), Merits, I.C.J. Reports 1960.

Riphagen, Willem. "Fourth Report on State Responsibility." Yearbook of the International Law Commission, New York: International Law Commission, 1983.

Riphagen, Willem. "Third Report on State Responsibility." Yearbook of the International Law Commission, New York: International Law Commission, 1982.

Riphagen, Willem. Sixth Report on the Content, Forms and Degrees of International Responsibility (part 2 of the draft articles); and "Implementation" (raise en oeuvre) of International Responsibility and the Settlement of Disputes (part 3 of the draft articles), Special Rapporteur Yearbook of the International Law Commission, 1985, vol. II, part one, A/CN.4/SER.A/1985/Add.1 (Part 1).

Roberts, Adam, and Dominic Zau. *Selective Security: War and the United Nations Security Council since 1945*. Amsterdam: Routledge, 2008.

S.S. “Wimbledon” (Britain, France, Italy & Japan (Poland Intervening) v. Germany), Judgment, P.C.I.J. Series A.

Simma, Bruno, (Ed). *The Charter of the United Nations: A Commentary*. 3<sup>rd</sup> Ed. Oxford: Oxford University Press, 2012.

Southern Bluefin Tuna (Australia-Japan; New Zealand-Japan), Award on Jurisdiction and Admissibility of 4 August 2000; Reports of International Arbitral Awards (RIAA), vol. XXIII, para 52.

State Responsibility, Yearbook of the International Law Commission, 1996, vol. II, part two, A/CN.4/SER.A/1996/ADD.1 (Part 2).

Treaty for the Prohibition of Nuclear Weapons in Latin America and the Caribbean, Treaty of Tlatelolc.

Treaty on the Southeast Asia Nuclear-Weapon-Free Zone, 35 ILM 356 (1995).

Turkey - Restrictions on Imports of Textile and Clothing Products, WT/DS34/R, 31 May 1999.

UN Security Council, Security Council Resolution 1970 (2011) [on Establishment of a Security Council Committee to Monitor Implementation of the arms Embargo against the Libyan Arab Jamahiriya], 26 February 2011, S/RES/1970 (2011).

United Nations Security Council Verbatim Report 4644, S/PV/4644, Mr. Ryan (Ireland).

United States Diplomatic and Consular Staff in Tehran, Judgment, I. C. J. Reports 1980, para 53; Military and Paramilitary Activities in and against Nicaragua (Nicaragua v. United States of America), Merits, Judgment, I.C.J. Reports 1986.

UNSC Verbatim Record, (15 September 2010), UN Doc S/PV.6384.

UNSC Verbatim Record, (4 March 2010), UN Doc S/PV.6280.

US Department of State. “Adherence to and Compliance with Arms Control, Nonproliferation and Disarmament Agreements and Commitments, Department of State, Aug. 2005.” <http://www.state.gov/documents/organization/52113.pdf> (Accessed March 27, 2017).

Wilson, Gary. *The United Nations and Collective Security*. New York: Routledge, 2014.

Yearbook of the International Law Commission, 1966, vol. II, document A/CN.4/SER.A/1966/Add.1.

Yearbook of the International Law Commission, 1979, vol. II (Part two), document A/CN.4/SER.A/1979/Add.1 (Part 2).

Yearbook of the International Law Commission, 1991, vol. II (Part One), document A/CN.4/440 and Add. 1.

Yearbook of the International Law Commission, 1992, vol. II, Part 1, document A/CN.4/SER.A/1992/Add.1 (Part 1).

Yearbook of the International Law Commission, 2000, vol. I, A/CN.4/SER.A/2000.